یادداشت

مسئله آب در ایران و گسست قدرت

ادامه از صفحه اول

«قدرت گفتمانی»، اذهان مدیران در بخش‌های مختلف را «به‌خط» می‌کند و از رقابت‌های درون‌دولتی جلوگیری می‌کند. حکومت بیش از هر چیز به گفتار، مقبولیت می‌یابد و به گفتمان، قدرت‌ورزی می‌کند. گفتمان همان منظومه معنایی درباره سیاست آب است که به لحاظ ذهنی همه را ملتزم می‌کند، برنامه‌ها را یکسان و اجرای سیاست را هماهنگ می‌کند. گفتمان، محکمه‌ای پیشینی برای نظام سیاست‌گذاری است که قدرتی درونی پدید می‌آورد تا ارکان قدرت را هماهنگ کند. مسئله آب در ایران از وجدان مشترک در دستگاه سیاست‌گذاری و از «ستون قدرت» عاری است.

در چرایی آتش‌بس جنگ ۱۲ روزه

ادامه از صفحه اول

اسرائیل در این جنگ گو آنکه در حقیقت امر به مثابه نیروی نیابتی آمریکا عمل کرد و خود را از انواع کمک‌های دست و دلبازانه سیاسی و دیپلماتیک، لجستیک نظامی، اطلاعاتی و جاسوسی، فنی و مالی آن کشور بهره‌مند کرد، اما از جهاتی هم با آن مرشد و حامی زاویه و حتی تعارض منافع داشت. این تعارض منافع قبل از این در قضیه حملات حوثی‌ها به کشتی‌های آمریکایی و اسرائیلی خود را نشان داده بود؛ به گونه‌ای که آمریکایی‌ها حساب خود را از اسرائیلی‌ها جدا کردند و عملا به انصارالاسلام اجازه دادند که به شرط دست‌کشیدن آنها از زدن کشتی‌های مرتبط با آمریکا، دست این گروه را برای زدن کشتی‌های مربوط به اسرائیل نبندند. با مفروض‌دانستن این گزاره که تهدید جدی ایران به بستن تنگه هرمز نقش اول را در برقراری آتش‌بس ایفا کرد، ملاحظه می‌کنیم که با توجه به مطالب پیش‌گفته، واگرایی بین رژیم و آمریکا در برخی موارد و موضوعات را باید جدی گرفت. افزون بر این، تا آنجا که به درگیری نظامی مستقیم آمریکا با ایران مربوط می‌شود، نمی‌توان اصالتی خاص برای آن قائل شد یا دست‌کم آن را اولویت نخست آمریکا به حساب آورد. اینجا هم واگرایی راهبردی بین واشنگتن و تل‌آویو خود را آشکار می‌کند. جنگ اصلی اسرائیل، چه انگاره‌پرستانه و چه قدرت‌محورانه، با جمهوری اسلامی (به عنوان خاکریز نخست) و سپس ایران (به عنوان خاکریز نهایی) است. جنگ اصلی و با اولویت نخست آمریکا با چین است. بنابراین با اذعان به این نکته که در ستیز آمریکا و اسرائیل با ایران نمی‌توان در مواردی قائل به هیچ نوع تفکیکی بین آن دو شد، اما باید این را هم یادآور شویم که اهداف نهایی این رفقای جبرا و طبعا نیمه‌راه، یکی نبوده و از جهاتی با تضادی آنتاگونیستی همراه است. راهبرد اصلی آمریکا در هماوردی با چین به منظور مقابله با خطر بالقوه آن در هژمون‌طلبی سر به مهرش است. این مهم، داشتن سر جنگ با کشور دیگری چون ایران را توجیه نمی‌کند و حتی شاید برنتابد. این در حالی است که آمریکا وقت چندان زیادی هم در اختیار ندارد. بنابراین طبیعی می‌نماید که آن کشور نباید مایل باشد که ایران را سد راه خود در هماوردی نفس‌گیر با پکن ببیند. اما مشکل اینجاست که کناررفتن ایران به عنوان سد راه برخلاف منافع اسرائیل است که می‌خواهد آمریکا را درگیر با ایران کند. بدیهی است اسرائیل می‌داند که در این درگیری بخشی از توان آمریکا مستهلک و این بالاخره به نفع چین تمام می‌شود، اما گویا بغض بی‌حدوحصر رژیم با ایران مجوز هر کاری را به او می‌دهد. گفتنی است اینکه آمریکا به موضوع مورد اشاره در بالا واقف است و اگر بله، چرا با آن مقابله نمی‌کند، داستان خود را دارد.

با عرض پوزش از به درازا کشیده‌شدن کلام. کوتاه‌سخن آنکه:

۱. لازم است به کمک کارشناسان دستگاه سیاست خارجی کشور و نیز کارشناسان مستقل به چرایی اصلی اعلام آتش‌بس توسط ترامپ پی برده شود. اگر این به دلیل تهدید ایران، به شرح پیش‌گفته، باشد، می‌توانیم آن را چون پدیده‌ای ادراکی در نظر بگیریم که می‌تواند منظومه فکری آمریکایی‌ها را دقیق‌تر و واقعی‌تر از گذشته به ما بنمایاند و در تحلیل درست وقایع اتفاقیه و گمانه‌زنی‌های مقرون به صحت رویدادهای آینده کمک برساند. باشد تا به این ترتیب بتوانیم الگوی رفتاری مناسب‌تری ترسیم کنیم؛

۲. بدون متوسل‌شدن به حرکات تصنعی و صرفا با رجوع به روش‌های دیپلماتیک و استفاده از اصول حرفه‌ای مذاکره، نقاط واگرایی اسرائیل با آمریکا در موارد و موضوعاتی که از جمله در بالا به آن اشاره شد را احصا کنیم و به طریق مقتضی در مذاکره احتمالی با طرف آمریکایی مورد کارسازی قرار دهیم. این می‌تواند به شمول هشدار و انذار به آن طرف و گوشزدکردن خطرات همراهی با رژیم، حداقل در موارد مورد نظر باشد؛

۳. ضمن رعایت احترام به چین و روابط موجود فیمابین، لازم است که از بدل‌شدن به پیشمرگ آنها در هماوردی‌شان با آمریکا بپرهیزیم. تجربه نشان داده که ما برای ابراز مراتب ایثارگری حد یقف نداریم. این را در مورد مسئله فلسطین و محور مقاومت هم به اثبات رسانده‌ایم. به قیمت سردکردن روابطمان با اروپا، مهر و محبت زایدالوصفی به روس‌ها به خرج دادیم و با گزاره‌های غیراخلاقی و تحقیرآمیزی چون اروپا منتظر زمستان سرد باشد، حتی اصول اخلاقی‌مان را زیر پا گذاشتیم و اینک هم بدون آنکه برای گوینده آن «کلام قصار» هزینه‌ای ایجاد شده باشد، هزینه ملی می‌پردازیم!

۴. روابط دوستانه و در بالاترین سطح لازم با پکن و مسکو هیچ مشکلی ندارد و حتی به دلایل روشن مشوق آن هم باید باشیم، اما باور به ضرورت وجود توازن و تعادل در روابط دوجانبه یک باید است. برخورداری از این گونه روابط با کشورها ضامن منافع ملی است. تعادل در روابط با پکن و مسکو حتی می‌تواند از حساسیت غیرضرور کرانه‌نشینان دو سوی آتلانتیک روی سیاست خارجی ما و در نتیجه فشار روی خود ما بکاهد.

همکاری بی‌سابقه آمریکا و دمشق در شکار فرمانده داعش در سوریه

ائتلاف‌های جدید و خشونت‌های فرقه‌ای

شرق: هشت ماه پس از سقوط بشار اسد، درگیری‌های مرگ‌بار فرقه‌ای در جنوب غرب سوریه یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش‌روی بازسازی کشور پس از جنگ داخلی را عیان کرده است: ناتوانی رهبری جدید در تحقق وحدت ملی.

در اوایل ماه جاری، با آغاز جنگ‌وگریز میان اقلیت مذهبی دروزی و قبایل بدوی در استان سویدا، احمد جولانی، رئیس‌جمهور جدید، نیروهای خود را برای مهار بحران اعزام کرد. اما گزارش ناظران مستقل حکایت از آن داشت که اغلب نیروهای دولت -که همچون جولانی سنی هستند- در کنار هم‌کیشان خود، یعنی بدوی‌ها و شبه‌نظامیان متحدشان قرار گرفتند و دروزی‌ها را هدف قرار دادند.

طبق گزارش دیده‌بان حقوق بشر سوریه، تا آخر هفته، شمار کشته‌ها به هزارو ۳۱۱ نفر رسید. یک گروه آمریکایی ناظر تحولات قومی در سوریه نیز اعلام کرد دست‌کم هزارو ۱۷ دروزی جان باخته‌اند که از این میان، ۲۴۵ نفر غیرنظامی بوده‌اند. اگرچه فعلا از شدت خشونت‌ها کاسته شده، اما احساس نگرانی و بی‌اعتمادی میان اقلیت‌ها نسبت به حاکمان جدید تشدید شده است.

این تنش‌ها بار دیگر نشان می‌دهد فرقه‌گرایی همچنان تهدیدی جدی برای تلاش‌های جولانی در تثبیت سوریه پس از حکومت اسد است. بازسازی کشور و اقتصاد بحران‌زده سوریه تا حد زیادی وابسته به توانایی رهبر جدید برای اقناع همه شهروندان است که رئیس‌جمهور و ارتشی برای همه سوری‌ها دارند.

رویارویی با بحران مشروعیت

جولانی همچنین باید حمایت آمریکا و بازیگران کلیدی اروپا و منطقه را حفظ کند. ایالات متحده اخیرا تحریم‌ها علیه سوریه را تعلیق کرده و دیپلمات ارشدش با مقامات سوری و اسرائیلی در پاریس دیدار داشته است تا به گفته خود برای «گفت‌وگو و کاهش تنش» تلاش کند. از سوی دیگر، عربستان سعودی که خواهان بازگشت سوریه به جمع کشورهای عربی است، هیئتی اقتصادی و دولتی به دمشق فرستاده و توافق‌هایی به ارزش شش میلیارد دلار اعلام شد؛ گرچه تحقق این وعده‌ها، بهبود امنیت را طلب می‌کند.

پیش‌تر نیز در ماه مارس، نیروهای دولتی متهم به کشتار صدها غیرنظامی علوی در سواحل غربی کشور شدند؛ اقلیتی که اعضای حکومت سابق به رهبری اسد به آن تعلق داشتند. انتقام‌گیری از علوی‌ها پس از حمله نیروهای وفادار به اسد به امنیتی‌ها رخ داد. بااین‌حال، جولانی بارها بر تعهد خود به حفظ حقوق همه اقوام و اقلیت‌ها تأکید کرده است.

کارشناسان معتقدند آنچه بیش از هر چیز می‌تواند نگرانی‌ها را کاهش دهد، مهار شبه‌نظامیان و شورشیان سابقی است که به ساختار جدید ارتش راه یافته‌اند؛ بسیاری از آنها هنوز مثل بازیگران مستقل و عضوی از گروه‌های تروریستی رفتار می‌کنند و نه بخشی از یک ارتش ملی.

بازیگران در سایه

جولانی که پیشینه فرماندهی در القاعده را دارد، دمشق را به ترکیه -که اسرائیل آن را بیش از پیش یک رقیب می‌داند- نزدیک‌تر کرده است. به باور اسرائیل، منافع امنیتی این کشور در ائتلاف با دروزی‌ها و دیگر اقلیت‌های سوریه تأمین می‌شود. ارتش اسرائیل در جریان درگیری‌های اخیر، اهداف نظامی سوریه را در سویدا هدف قرار داد و سپس وزارت دفاع این کشور را در دمشق بمباران کرد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، این عملیات را «اقدامی قاطع» خواند و تأکید کرد نیروهای سوری به عقب‌نشینی از دمشق مجبور شدند. او همچنین وعده داد مناطق نزدیک به مرز اسرائیل را غیرنظامی و از جامعه دروزی حمایت کند؛ رویکردی تازه که هدفش جلوگیری از تهدیدات احتمالی با ایجاد عمق استراتژیک فراتر از مرزهای رسمی اسرائیل است.

ایالات متحده، به عنوان متحد اصلی اسرائیل در منطقه، به حکومت جدید سوریه چندان اعتمادی ندارد و بهبود روابط دست‌کم در کوتاه‌مدت دور از دسترس است. بااین‌حال، آمریکا که در مهار درگیری‌های سویدا نقش داشت، فعلا روی جولانی برای تثبیت اوضاع و مهار نفوذ ایران و روسیه حساب باز کرده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پس از دیدار با جولانی در ریاض، لغو تحریم‌های سوریه را شخصا اعلام کرد؛ اقدامی حیاتی برای احیای اقتصاد بحران‌زده این کشور. همچنین، دولت آمریکا شاخه سابق القاعده به رهبری جولانی را از فهرست گروه‌های تروریستی خارج کرد.

سال‌ها جنگ داخلی اقتصاد سوریه را ویران کرده؛ تولید ناخالص داخلی این کشور بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته و درآمد سرانه کمتر از هزار دلار است. کارشناسان هشدار می‌دهند اگر جولانی نتواند ارتشی فراگیر تشکیل دهد و نیروهای خارجی را از کشور بیرون کند، ثبات سوریه شکننده باقی می‌ماند و خطر سرریز بحران به منطقه و نیاز به مداخله مجدد آمریکا همچنان بالا خواهد بود.

عملیات مشترک بی‌سابقه

درحالی‌که تمرکز افکار عمومی بر بحران‌های فرقه‌ای و آینده دولت جدید سوریه بود، صبح جمعه عملیاتی کم‌سابقه نگاه‌ها را متوجه تحولات امنیتی منطقه کرد؛ نیروهای ویژه ارتش آمریکا، در هماهنگی با دستگاه اطلاعاتی دولت جدید سوریه، با یورشی غافلگیرکننده، یکی از مهم‌ترین فرماندهان داعش و دو پسرش را در خاک سوریه از میان بردند. براساس بیانیه ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)، دیاع زوبع مصلیح الحردانی، به همراه دو پسرش، عبدالله و عبدالرحمن که هر دو از اعضای فعال داعش بودند و تهدیدی جدی برای نیروهای ائتلاف و همچنین دولت جدید سوریه محسوب می‌شدند، در این عملیات کشته شدند. به گفته منابع آگاه، در جریان این یورش، سه کودک و سه زن در محل حضور داشتند، اما آسیبی ندیدند.

گرچه آمریکا در سال‌های اخیر بارها علیه عناصر داعش در سوریه و عراق عملیات انجام داده، اما اغلب این حملات با مشارکت نیروهای متحد یا به شکل حملات هوایی بوده و عملیات زمینی با مشارکت مستقیم ارتش آمریکا و همکاری اطلاعاتی دمشق، پدیده‌ای بی‌سابقه در دوران پس از اسد است.

ژنرال اریک کوریا، فرمانده سنتکام، در بیانیه‌ای تصریح کرد: «ما بی‌وقفه به تعقیب تروریست‌های داعش ادامه خواهیم داد؛ آنها در هیچ نقطه‌ای امن نخواهند بود، نه جایی که می‌خوابند، نه جایی که فعالیت می‌کنند و نه مخفیگاه‌هایشان».

در ماه‌های اخیر، آمریکا حمایت و همکاری با نیروهای سوری و عراقی برای مقابله با داعش را ادامه داده است. فقط در ماه مِی، ارتش آمریکا شش عملیات انجام داد -پنج عملیات در عراق و یک مورد در سوریه- که منجر به کشته‌شدن دو عضو داعش و بازداشت دو نفر دیگر، از جمله یکی از فرماندهان این گروه شد. در ماه مارس نیز آمریکا با یک حمله دقیق هوایی در عراق، عبدالله مکی مصلیح الرفاعی، فرمانده ارشد داعش و رئیس کمیته تفویض اختیارات این گروه را به همراه یکی از همراهانش از میان برد.

پنتاگون در ماه آوریل اعلام کرد با توجه به موفقیت‌ها در تضعیف توان داعش، حدود نیمی از نیروهای آمریکایی را از سوریه خارج می‌کند و شمار نیروها به کمتر از هزار نفر کاهش خواهد یافت.

ابعاد و پیامدهای راهبردی همکاری دمشق و واشنگتن

آنچه این عملیات را بی‌سابقه و شایان تأمل می‌کند، همکاری عملیاتی و اطلاعاتی آشکار میان دولت جدید سوریه و ارتش آمریکاست؛ موضوعی که نه‌تنها پیامی قاطع برای داعش و جریان‌های افراطی دارد، بلکه معادلات منطقه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نخستین بار است که پس از تغییر قدرت در دمشق، نیروهای آمریکا و دولت جدید سوریه -که پیش‌تر دشمنی و بی‌اعتمادی عمیقی میان آنها وجود داشت- در سطح نظامی و اطلاعاتی چنین همکاری نزدیکی را تجربه می‌کنند.

به باور تحلیلگران، این تحول چند پیام کلیدی برای بازیگران اصلی منطقه دارد: نخست، برای ایران و عراق به عنوان دو حامی عمده محور مقاومت، این پیام واضح است که دولت جدید سوریه راهبرد امنیتی و روابط خارجی خود را به‌شدت تغییر داده و به دنبال بازتعریف جایگاه خود در موازنه قدرت منطقه‌ای است. دوم، ترکیه باید خود را با تحولی جدید مواجه ببیند؛ زیرا نزدیکی دمشق و واشنگتن می‌تواند اهداف آنکارا در شمال سوریه را به چالش بکشد. در نهایت، برای اسرائیل نیز این رویداد نشانه‌ای است که دولت جدید سوریه ضمن تلاش برای مدیریت بحران‌های داخلی و جلب حمایت غرب، برای مبارزه با افراط‌گرایی و تأمین امنیت مرزهایش آماده همکاری با آمریکا شده است.

عملیات اخیر نشان داد دولت جدید دمشق، با وجود همه تنش‌های داخلی و منطقه‌ای، حاضر است برای مقابله با تهدیدات جدی و به‌ویژه داعش، وارد همکاری با قدرت‌های غربی شود. این همکاری می‌تواند نشانه‌ای از شکل‌گیری موازنه‌ای جدید در سوریه و منطقه باشد؛ جایی که رقابت و همکاری میان بازیگران اصلی با معادلات سنتی گذشته تفاوتی چشمگیر یافته است.

شکست مذاکرات اسرائیل و حماس و توقف میانجیگری از سوی واشنگتن

آتش‌بس دور از دسترس

شرق: مذاکرات آتش‌بس میان اسرائیل و حماس بار دیگر به بن‌بست رسیده است؛ رویدادی که سایه‌ای از ناامیدی و نگرانی بر غزه و کل منطقه انداخته است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، اعلام کرد در حال بررسی «گزینه‌های جایگزین» برای مذاکرات با حماس است؛ موضعی که پس از خروج هیئت‌های اسرائیلی و آمریکایی از قطر و توقف موقت گفت‌وگوها اتخاذ شد. به گفته نتانیاهو، حماس مانع اصلی توافق برای آزادی گروگان‌ها و پایان سلطه خود بر غزه است. بااین‌حال، مقامات مصری و قطری که نقش میانجی را ایفا می‌کنند، اعلام کرده‌اند این توقف موقتی بوده و مذاکرات به‌زودی از سر گرفته خواهد شد.

آمریکا نیز با موضعی مشابه، از «گزینه‌های جایگزین» صحبت کرده و استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ، اظهار کرد پاسخ اخیر حماس به پیشنهادها نشانه‌ای از «عدم تمایل» برای توافق است. ویتکاف تأکید کرد که ایالات متحده به دنبال راه‌های دیگری برای بازگرداندن گروگان‌ها و تأمین امنیت اسرائیل خواهد بود.

درحالی‌که مذاکرات سیاسی همچنان بی‌نتیجه مانده، بحران انسانی در غزه به نقطه‌ای بحرانی رسیده است. ماه‌ها محاصره و محدودیت ورود غذا و کمک‌های انسانی، جمعیت را به مرز قحطی کشانده است. براساس گزارش‌ها، مرگ‌ومیر ناشی از سوءتغذیه و کمبود دارو به‌شدت افزایش یافته و حتی کارکنان سازمان‌های خیریه و حقوق‌بشری نیز برای تأمین حداقل مایحتاج خود با مشکل مواجه‌اند. روزانه تعداد وعده‌های غذایی پخت‌شده توسط آشپزخانه‌های خیریه از بیش از یک میلیون به فقط ۱۶۰ هزار وعده کاهش یافته است.

در سطح سیاسی، وقفه در مذاکرات و اظهارات سرسختانه رهبران اسرائیل و آمریکا، افق رسیدن به توافق را تیره‌تر کرده است. نتانیاهو بار دیگر تأکید کرد که بدون پایان‌یافتن حکومت حماس و خلع سلاح این گروه، اسرائیل به هیچ توافقی تن نخواهد داد. ترامپ نیز موضعی سخت اتخاذ و اظهار کرد: «حماس نمی‌خواهد توافق کند. فکر می‌کنم فقط می‌خواهند کشته شوند. باید کار را تمام کرد».

در همین حال، فرانسه با اقدامی بی‌سابقه و البته سمبلیک، اعلام کرد فلسطین را به عنوان یک دولت مستقل به رسمیت می‌شناسد؛ حرکتی که از سوی ترامپ نادیده گرفته شد اما فشار بین‌المللی بر اسرائیل را افزایش داد. منتقدان این اقدام فرانسه می‌گویند چنین اقداماتی در واقعیت هیچ تأثیری در وضعیت غزه و فلسطین نخواهد داشت. بریتانیا و آلمان نیز هرچند هنوز به این اقدام نپیوسته‌اند، اما خواهان توقف فوری جنگ شده‌اند.

در سطح میدانی، بحث بر سر شرایط توافق همچنان ادامه دارد. براساس پیشنهادهای مطرح‌شده، قرار است آتش‌بسی ۶۰روزه برقرار شود که طی آن بخشی از گروگان‌ها آزاد و در مقابل اسرای فلسطینی از زندان‌های اسرائیل رها شوند. اما اختلاف‌های اصلی بر سر میزان عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از غزه و چگونگی ادامه مذاکرات پس از پایان این دوره موقت پابرجاست.

با وجود تلاش‌های قطر و مصر برای حفظ کانال‌های گفت‌وگو و امید به بازگشت طرفین به میز مذاکره، همچنان هیچ نشانه روشنی از دستیابی به یک توافق پایدار دیده نمی‌شود. خانواده‌های گروگان‌ها همچنان در انتظار پایان این کابوس‌اند و میلیون‌ها نفر از ساکنان غزه هر روز درگیر تلاش برای زنده‌ماندن هستند.

به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت، چشم‌انداز صلح و پایان بحران انسانی دور از دسترس باشد و شاید فقط فشارهای فزاینده بین‌المللی بتواند دو طرف را به سمت مصالحه سوق دهد. تا آن زمان، مردم غزه همچنان قربانیان اصلی این بن‌بست سیاسی و نظامی خواهند بود.

گزارش

سومین روز درگیری مرزی تایلند و کامبوج

شرق: درگیری‌های مرزی میان تایلند و کامبوج وارد سومین روز شد و هم‌زمان نقاط بحران‌خیز جدیدی شکل گرفت. دو طرف، هریک دیگری را به شروع خشونت متهم کرده و مدعی شده‌اند فقط در مقام دفاع از خود وارد عمل شده‌اند، درعین‌حال خواستار توقف فوری آتش و آغاز مذاکرات شده‌اند. براساس گزارش‌ها، این نبرد خونین که شدیدترین تنش میان دو همسایه جنوب شرق آسیا در ۱۳ سال اخیر محسوب می‌شود، تاکنون بیش از ۳۰ کشته و ۱۳۰ هزار آواره بر جای گذاشته است.

در ساعات اولیه روز شنبه، منابع رسمی از بروز درگیری در استان ساحلی «ترات» در تایلند و استان «پوسات» در کامبوج خبر دادند؛ مناطقی که بیش از صد کیلومتر از نقاط قبلی اختلاف فاصله دارند و همین مسئله، نگرانی‌ها درباره گسترش جغرافیای درگیری را افزایش داده است. این بحران پس از کشته‌شدن یک سرباز کامبوجی در درگیری کوتاه‌مدت ماه مِی آغاز شد و به‌سرعت ابعاد دیپلماتیک پیدا کرد؛ تا جایی که دولت ائتلافی و شکننده تایلند در آستانه فروپاشی قرار گرفت و نیروهای نظامی در دو سوی مرز تقویت شدند.

تا روز شنبه، تایلند اعلام کرد هفت سرباز و ۱۳ غیرنظامی خود را از دست داده است و کامبوج نیز کشته‌شدن پنج سرباز و هشت غیرنظامی را تأیید کرد. در استان «سی‌ساکت» تایلند، یک محوطه دانشگاهی به اقامتگاه موقت آوارگان تبدیل شده و طبق اظهارات داوطلبان، بیش از پنج هزار نفر در این محل اسکان یافته‌اند.

سامرونگ خامدوآنگ، یکی از ساکنان منطقه که مزرعه خود را به دلیل شدت آتش‌بازی ترک کرده، از نگرانی‌اش برای خانواده و بی‌خبری از همسرش که برای نگهداری از دام‌ها در منطقه مانده، می‌گوید: «صدای توپخانه ما را وحشت‌زده کرد. اما شوهرم ماند و حالا هیچ خبری از او ندارم و نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده است».

در کوالالامپور، نخست‌وزیر مالزی و رئیس دوره‌ای اتحادیه آسه‌آن، انور ابراهیم، تأکید کرد تلاش‌ها برای آتش‌بس را ادامه خواهد داد. کامبوج به طور رسمی از طرح او حمایت کرده و تایلند نیز در اصل با آن موافق است. ابراهیم گفت برای توقف درگیری با وزرای خارجه دو کشور در تماس است و شخصا نیز در صورت نیاز وارد عمل خواهد شد.

نماینده تایلند در شورای امنیت سازمان ملل، با بیان اینکه سربازان کشورش در هفته‌های اخیر دو بار در خاک تایلند بر اثر مین‌های تازه کاشته‌شده زخمی شده‌اند -ادعایی که کامبوج آن را به‌شدت رد کرده- خواستار توقف فوری اقدامات خصمانه و بازگشت به مذاکره شد. وزارت دفاع کامبوج نیز در بیانیه‌ای تایلند را به حمله نظامی عامدانه و نقض آشکار حاکمیت کشور متهم و اعلام کرد تایلند در حال بسیج نیرو و تجهیزات در مرز است. کامبوج از جامعه جهانی خواست حملات تایلند را به‌شدت محکوم کند و مانع گسترش اقدامات نظامی این کشور شود، درحالی‌که بانکوک بار دیگر تأکید کرد تمایل دارد اختلافات را به صورت دوجانبه حل‌وفصل کند. اختلاف مرزی تایلند و کامبوج سابقه‌ای چندده‌ه‌ای دارد و محوریت آن، مالکیت معابد باستانی هندو مانند «تا موآن تام» و معبد مشهور قرن یازدهمی «پریه ویهار» است. در سال ۱۹۶۲، دادگاه بین‌المللی لاهه مالکیت پریه ویهار را به کامبوج واگذار کرد؛ اما پس از تلاش کامبوج برای ثبت این معبد در فهرست میراث جهانی یونسکو در سال ۲۰۰۸، تنش‌ها بالا گرفت و درگیری‌های پراکنده در سال‌های بعد چندین کشته بر جای گذاشت. در ماه ژوئن، کامبوج خواستار میانجیگری مجدد دادگاه لاهه برای حل اختلاف شد، اما تایلند همچنان تأکید می‌کند صلاحیت این دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسد و ترجیح می‌دهد اختلافات را به شکل دوجانبه حل کند. در صورت عدم حل ریشه‌ای این اختلاف، بعید است آتش بس احتمالی میان دو طرف ماندگار باشد.

برگ سبز و سند کمپانی پژو پارس سفید مدل ۱۴۰۲
به شماره پلاک ۸۹ س ۶۳۱ ایران ۶۳
شماره شاسی: NAAN11FE۰PH۲۷۰۳۳۱
و شماره موتور: ۱۳۹B۰۳۱۸۰۳۹
به نام **ستاره شایان** با کدملی ۲۳۰۰۱۵۸۰۸۶
در ۱۴۰۲/۰۴/۰۱ مفقود شده و فاقد اعتبار است

آگهی دعوت از بستانکاران (نوبت سوم) شرکت پیشگامان کسب و کارهای نوین خاورمیانه – در حال تصفیه (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۲۱۵۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۷۰۱۶۸

در اجرای ماده ۲۱۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت پیشگامان کسب و کارهای نوین خاورمیانه در حال تصفیه (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۲۱۵۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۷۰۱۶۸ که آگهی انحلال آن در صفحه ۳ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۳۳۱۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ درج گردیده است، دعوت به عمل می‌آید تا ظرف مدت حداکثر یک سال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول (حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸) با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه، خانم فرخنده مقیمی بیدهندی به شماره همراه ۰۹۱۰۲۰۴۷۳۰۷ مستقر در آدرس تهران، شهرک پاس و فرهنگیان، خیابان ارشاد، خیابان روشنایی، پلاک ۱۴، واحد ۱؛ کد پستی: ۱۴۶۴۸۵۳۴۱۳ مراجعه نمایند.

بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد، مسئولیتی نخواهند داشت.

فرخنده مقیمی بیدهندی